

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بی. زد. خاسرو
برگردان: داوود جلیلی
فرستنده: طاهر باختری
۱۷ اگست ۲۰۲۴

بنگله دیش در آشفستگی: حسینه می ترسید محمد یونس با کمک امریکا او را برکنار کند



من در سال ۲۰۱۰ طی سفری به بنگله دیش، از روزنامه نگاران بسیاری در باشگاه خبرنگاران داکا پرسیدم چرا نخست وزیر شیخ حسینه از محمد یونس، اقتصاددان توسعه آموزش دیده امریکا و بانک دار گرامین [۱] رفت که همکاران بنگالی خود را با گرفتن جایزه نوبل در سال ۲۰۰۶ متحیر ساخته بود تقلید کرد. من دو پاسخ دریافت کردم: یک، به دلیل آن که پیشتر وام‌های خرد از برنامه ارتش بنگله دیش برای تبعید دو سیاست مدار ملی از سیاست حمایت می‌کرد از او ناراحت شده بود، او این امر را اقدامی از سوی یونس برای جایگزین کردن خود به جای او تلقی می‌کرد. دو، حسینه از یونس ناراحت بود چون برنده جایزه نوبل شده بود. او فکر می‌کرد که یونس با کمک گرفتن از دوست امریکائی خود بیل کلینتن، رئیس جمهور پیشین امریکا به نوعی کمیته نوبل را با لابی قدرتمندی دستکاری کرده است. طبق این نظریه، او اعتقاد داشت که او به خاطر نقش خود در پایان دادن به دهه‌ها قیام قبیله‌ئی در بنگله دیش شرقی مستحق دریافت جایزه نوبل است.

با انتصاب یونس در ۵ اگست به‌عنوان رئیس دولت موقت به دنبال خلع ید از حسینیه، می‌توان گفت که ترس نخست وزیر برکنار شده واقعاً بی اساس نبود. در واقع، درست چند روز قبل از خلع ید از حسینیه با شورش مردمی، یونس به امکان دخالت خارجی در بنگله دیش برای پایان دادن به اعتراض‌های خیابانی اشاره کرده بود، پیش بینی که هواداران حسینیه را وادار کرد یونس را خائن به وطن بنامند. اما دیگران استدلال می‌کردند که اشاره یونس به هند بود، چون او در سخنان خود هم چنین گفته بود که دهلی نو از دوست نا درستی در بنگله دیش حمایت می‌کند. حامیان حسینیه (در این رخ دادها) دست نامرئی عمو سام را می‌دیدند، که نسبت به رهبر برکنار شده نامهربان تلقی می‌شد.

به قدرت رسیدن یونس سناریوی را به یاد می‌آورد که طی آن بنیتو موسولینی نخست وزیر ایتالیا شد. در سال ۱۹۲۲، ده‌ها هزار نفر از فاشیست‌های مسلح، با درخواست نخست وزیر موسولینی در رم راهپیمایی کردند. ویکتور امانوئل، پادشاه ایتالیا، از اعلام وضعیت اضطراری و تحمیل حکومت نظامی خودداری کرد. در عوض دولت را منحل و از موسولینی درخواست کرد دولت جدیدی تشکیل دهد.

در ۶ اگست، یک روز پس از آن که حسینیه به هند همسایه پناهنده شد، رهبران دانشجویان شورشی از یونس درخواست کردند اداره کشور را به‌دست گیرد. اقتصاددانی که قبل از بازگشت به کشور در دهه ۱۹۷۰ در تنسی تدریس می‌کرد در ۸ اگست ادای سوگند کرد و پارلمان را منحل نمود. او گفت این بار نمی‌تواند این درخواست را رد کند، اگرچه در سال ۲۰۰۷ پیشنهاد مشابهی را رد کرده بود، چون خطر حاکم غیر منتخب بودن را درک می‌کرد. حتی چند ماه قبل، او امکان ورودش به سیاست را، با گفتن این که از سیاست نبریده است خاطر نشان کرده بود.

او به هر حال، در تلاشی گسترده برای پاکسازی سیاست‌های آشفتۀ بنگالی از طرح ارتش برای برکناری حسینیه و خالد ضیاء نخست وزیر سابق، که حزب ملی‌گرای بنگله دیش را رهبری می‌کرد، حمایت کرده بود. از این رو تا حدودی از سوی برخی از "شبه روشنفکران" یا به اصطلاح اعضای جامعه مدنی تحریک شد و سازو برگ سیاسی را برای شرکت در رقابت انتخابات پارلمانی به راه انداخت، اما چون حامیان پشت پرده او از پیوستن به او خودداری کردند آن‌را در عرض چند هفته رها کرد.

با این حال حسینیه مطمئن نبود که او واقعاً چه درآستین دارد. حسینیه پس از پیروزی لغزان در انتخابات سال ۲۰۰۸، علیه یونس و ایالات متحده حامی اصلی او اعلان جنگ کرد. در سال ۲۰۱۱، یونس از ریاست بانک گرامین برکنار شد. بسیاری از منتقدان آن را انتقام شخصی حسینیه خواندند چون او با توطئه ناموفق ارتش بسیار نیرومند کشور برای تبعید حسینیه و خالد از بنگله دیش همدستی کرده بود.

کسی شبکه پیچیده افکاری را که منجر به تباهی ذهن نخست وزیر شد به صورت کامل توضیح نداده است. حسینیه با نادیده گرفتن تمام فریادهای دوستان با نفوذ یونس از جمله هیلری کلینتن وزیر امور خارجه آمریکا در برکنار کردن او ثابت قدم ماند.

این افسانه که حسینیه به دلیل آن‌که یونس برنده جایزه نوبل شد ناراحت بود هیچ پایه عینی ندارد، این افسانه از بیانه‌هایی سر زد که از سوی آجودان‌های او منتشر شد. حسینیه از اظهار یونس که ۸.۵ میلیون اعضای بانک گرامین نه تنها شهروندان بلکه رأی دهندگان هستند رنجیده بود. این تهدید غیر مستقیمی بود که این رأی دهندگان می‌توانند سوراخ بزرگی در صندوق رأی حزب عوامی لیگ ایجاد کنند.

هنوز به طور کامل روشن نشده است که چرا حسینیه یونس را در لیست محکومان خود قرار داد. برای کندو وکاو ژرف‌تر، لازم است به پرسش دیگری پاسخ داده شود: اگر یونس طرفدار تبعید حسینیه و ضیاء بود، چرا رهبر

حزب ملی گرای بنگالی به حمایت از او برخاست؟ ضیاء نه تنها یونس را در آغوش گرفت، بلکه واشنگتن و لندن را ترغیب به حفظ استاد مشکل دار از غضب حسینه کرد.

در حقیقت این تصور حسینه که یونس هم بستر ضیاء است استاد را محکوم کرد. سوء ظن او درست بود. برای درک کامل لازم است به عقب، به سال‌های اوایل دهه ۱۹۷۰ برگردیم، که یونس در آن زمان پس از استقلال بنگله دیش از ایالات متحده به کشور بازگشت. او در آن زمان به یک شغل دولتی بسنده کرد، و تدریس در دانشگاه چیتاگونگ در بنگله دیش شرقی را آغاز کرد.

در سال ۱۹۷۵، پدر حسینه در خشونت اقدام به کودتای ارتش کشته شد. در نهایت همسر ضیاء، جنرال ضیاء الرحمان، رئیس ستاد ارتش وقت، به دنبال چندین کودتا و ضد کودتا قدرت را به دست گرفت. حسینه متقاعد شد که جنرال با قاتلان پدر او سرو سری دارد.

یونس که در آن زمان با برنامه اعتبار کوچک خود امتحان پس داده بود، در اواخر دهه ۱۹۷۰ با ضیاء الرحمان تماس گرفت. در آن زمان جنرال رئیس جمهور کشور شده بود و برنامه کارگاه طلبانه‌ای را برای تصدی دراز مدت حکومت تدارک دیده بود. استاد فکر گرام سارکار (دولت روستا) را به مرد قدرت مند نظامی عرضه کرد. جنرال با آن فکر پیش رفت، و آن را به عامل فعال ستراتیژی سیاست خود تبدیل ساخت تا به آن وسیله حمایت عمومی را در بنگله دیش روستائی کسب کند. ضیاء الرحمان در سال ۱۹۸۱ ترور شد و تجربه او به حال تعلیق در آمد. اندکی پس از آن، خالده ضیاء بیوه او، رهبر حزب ملی گرای بنگله دیش شد.

یونس سپس در سال ۱۹۹۶ به عنوان کاندیدای حزب ملی‌گرای بنگله دیش به دولت موقت غیر حزبی پیوست. برای عوامی لیگ، این نشانه خودمانی شدن او با گروه سیاسی بود که باید برای حکومت بر بنگله دیش آن را شکست می‌داد. با وجود این نگرانی‌ها، یونس هنوز از حسن استقبال حسینه برخوردار بود. حسینه که هنوز جای پای محکمی در عرصه سیاسی نداشت، یک ستراتیژی انتخاباتی را پی‌گرفت که اساس آن بر به دست آوردن افراد تأثیر گذار متمرکز بود تا مخالفت کردن با آن‌ها. از این رو مفهوم اعتبار کوچک را ترویج و در سال ۱۹۷۷ به عنوان نخست وزیر آن‌را در کنفرانسی در واشنگتن دی سی، مطرح کرد. در همان سال، او از دو نامزدشایسته تر گذشت تا اجازه آغاز به کار گرامین فون را به یونس اعطا کند، که اکنون یک شرکت تیلیفون بی سیم نیرومند در بنگله دیش است.

یونس به عمد یا غیر عمد در جلب محبت حسینه شکست خورد. او در سال ۲۰۰۴ پس از سوء قصد مسلحانه به جان حسینه در یک راهپیمائی سیاسی در داکا برای ملاقات او به بیمارستان نرفت، واقعه‌ای که حسینه فکر می‌کرد حزب ملی‌گرای بنگله دیش مرتکب آن شده است. یونس از آرزوی بهبودی سریع او خود داری کرد، که طبق گفته دکتر دیپو مونی وزیر امور خارجه حسینه به جیمز موریریاتی سفیر امریکا در بنگله دیش به نقطه‌ای زخمی در ذهن حسینه تبدیل شد.

طرح‌های گرامین اعلان خطر به حسینه

حسینه زمانی که یونس برای تصویب چندین پروژه گرامین تلاش می‌کرد بوی رفیق نیمه راه را نیز استشمام می‌کرد. او می‌خواست دانشکده‌های پزشکی، مدارس پرستاری، فعالیت‌های اقتصادی کارخانه تولید کفش و تولید مواد غذایی ایجاد کند. حسینه به عهده گرفتن این فعالیت عظیم را برای گسترش امپراتوری گرامین به عنوان اقدام یونس برای متبلور کردن بیشتر جایگاه خود در کشور تفسیر می‌کرد.

در سپتامبر ۲۰۰۹، ملانه ورنر، اولین سفیر امریکا برای موضوعات جهانی زنان در دولت اوباما، مصاحبه ای را که با یونس در رابطه با این که حسینیه چگونه ابتکارهای گرامین را پروار کرد داشت به اطلاع هیلری کلینتن وزیر خارجه امریکا رساند.

یونس به ورنر شکایت کرده بود که حسینیه زندگی او را دشوار ساخته است: “ او هر پیشرفتی را دشوار می‌کند. طرح سلامتی که او با شما مورد بحث قرار داده بود نمی‌تواند کسب موافقت کند... اگر حسینیه بشنود که درخواست کننده گرامین است سد راه صدور مجوز می‌شود... برخی مخالفت‌های ژرف شخصی وجود دارد که او نمی‌تواند آن را درک کند...” ورنر گفته‌های یونس را با ای میلی برای وزیر خارجه ارسال کرد.

یونس از امریکا خواست صلح‌بانی کند، اما حسینیه واشنگتن را جنگ طلب تلقی می‌کرد. او صحبتی تلفونی با کلینتن داشت، که از او پرسید چرا یونس از ریاست بانک برکنار شد. حسینیه جواب داد این امر ربطی به او ندارد و تصمیم دادگاه است. دخالت امریکا زنگ هشدار را در ذهن حسینیه به صدا درآورد. در ۱۶ سپتامبر سال ۲۰۰۹، او به هم میهنانش در باره توطئه در جریان “ سکوی ویژه” و “نیروهای غیر دموکراتیک” که در حال توطئه برای از بین بردن دموکراسی و کسب قدرت هستند هشدار داد.

حسینیه دلایلی برای وحشت کردن داشت. دولت او متزلزل بود. تنها شش ماه قبل، او شورش خونینی را با یک نیروی شبه نظامی در شهر داکا پایتخت کشور فرونشاند. کشتار وحشیانه ده‌ها نیروی نظامی توسط هنگ مرزی بنگله دیش تنها یک ماه پس از بازگشت او به قدرت در ماه جنوری ۲۰۰۹ رخ داده بود. حسینیه در آن زمان، تحت فشار دائمی واشنگتن بود تا انتخابات جدیدی را با توافق ضیاء برگزار کند، که (ضیا) انتخابات را از ترس تقلب در آراء تحریم کرده بود. واشنگتن حسینیه را برای تعدیل رفتار با یونس هم تحت فشار قرار می‌داد.

حسینیه فکر می‌کرد که یونس عامل هوادار حزب ملی‌گرای بنگله دیش باشد، اگرچه اقتصاددان، داشتن هر رابطه‌ای را با هر حزب سیاسی انکار می‌کرد. او فکر می‌کرد امریکا می‌خواهد یونس را همراه با خالده ضیاء به قدرت برساند. دکتر کمال حسن وکیل یونس و وزیر خارجه سابق بنگله دیش معتقد است حسینیه بر اساس شایعه‌ها عمل کرد و نه چیز دیگر. صعود یونس به قدرت ثابت کرد که حسینیه حق داشت.

یونس در پیش رو با زمان دشواری رو در رو است

اکنون حسینیه در خارج است و یونس در داخل. او ممکن است در مرگ حسینیه عدالت شاعرانه‌ای را استشمام کند و مزه پیروزی شیرین خود را بچشد. اما به‌عنوان حاکم بنگله دیش در پیش رو با زمان بسیار دشواری رو در رو است. دانشجویها او را به زیر نور افکن هل می‌دهند، اما ماه عسل آن‌ها با ضربه اقتصادی، ملت ۱۷۰ میلیونی خشونت زده خیلی زود پایان خواهد یافت. کشور هنوز تحت کنترل او نیست. اکنون انبوه مردم سرکش بربنگله دیش حکومت می‌کنند.

یونس نه هیچ ساختار سیاسی دارد که روی آن حساب کند و نه از حمایت کامل ارتش، که هیچ منافع واقعی در دولت او ندارد برخوردار خواهد بود. اگر او بتواند بدون حمایت یک گروه سیاسی یا ارتش کشور را به صورت مؤثری اداره کند می‌تواند یک معجزه باشد. جنرال واکرالزمان رئیس ارتش، رهبر ضعیفی است و ارتش اکنون بیشتر به راست گرایش دارد، که دستورالعمل کاملی برای مزاحمت است. تنها گروهی که در کوتاه مدت ممکن است برای نجات رهبر موقت بیاید گروه مذهبی جماعت اسلامی است، ساز و برگی که هم امریکا و هم هند از دیدن آن در قدرت نفرت دارند. امریکا با طرح ۲۰۰۷ ارتش برای تبعید حسینیه و خالده مخالفت کرد چون می‌ترسید جماعت خلأ

آن‌ها را پرکند. حتی اگر یونس، که ۸۴ سال دارد، برای تحت کنترل در آوردن ارتش، حزب ملی‌گرای بنگله دیش و جماعت تلاش کند، ممکن است در پایان به حامد کرزی بنگله دیش تبدیل شود.

درست هم اکنون، عاجل‌ترین وظیفه پیش روی یونس اعاده نظم و به دست گرفتن کار ماشین دولتی است تا دوباره برای به راه انداختن موتور اقتصاد تلاش کند، در واقع نظمی بسیار بلند. سرمایه‌گذاران خارجی هم اکنون از رفتن به بنگله دیش مانند رفتن به جهنم می‌ترسند. کشور پس از تولد آن در سال ۱۹۷۱ در بدترین شکل خود قرار دارد، کشور کاملاً ذوب شده است. صنعت نساجی، بخش اصلی اقتصاد، ممکن است به زودی شاهد آشفته‌گی باشد.

در امور خارجی یونس پیش از این با بیان آن که هند از دوست نادرستی-حسینه- در بنگله دیش حمایت می‌کند اشتباه کرده است. زمانی که جنرال ضیاء، که از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۱ بر بنگله دیش حکومت می‌کرد، با هند دچار مشکل شد، خط سختی را در پیش گرفت. اما جی دبیلو چودری، که در آن زمان استادی در کارولینای شمالی بود دعوت شد تا وزیر امور خارجه بنگله دیش شود، (چودری) به جنرال توصیه کرد با هند با ملایمت برخورد کند. او استدلال می‌کرد که اگر هند کاری با بنگله دیش انجام دهد، همه در سازمان ملل متحد بیانیه صادر خواهند کرد، اما هیچ یک از آن‌ها عملاً هیچ کمک مادی نخواهند کرد. ضیاء توصیه چودری را رعایت کرد.

بی. زد. خاسرو، روزنامه نگار ساکن امریکا، نویسنده کتاب *افسانه‌ها و حقایق جنگ آزادی بخش بنگله دیش: چگونه هند، امریکا، چین و اتحاد شوروی نتیجه را شکل دادند، و کودتای نظامی بنگله دیش و ربط سی‌ای / است*. کتاب جدید او، *یک یازده، منهای دو جنگ نخست وزیر حسینه علیه یونس و امریکا*، به زودی منتشر خواهد شد.

منبع: کانترکیورنت

[۱] – بانک گرامین دوره آزمایشی خود را به عنوان اعطا کننده وام های خرد به روستائیان در سال ۱۹۷۶ در روستائی در بنگله دیش شرقی آغاز کرد. جنبه منحصر به فرد این بانک آن است که از وام گیرندگان سند و مدرکی به عنوان تضمین باز پرداخت دریافت نمی کند. سپس در سال ۱۹۸۳ توسط محمد یونس رسماً به صورت سراسری آغاز به کار کرد. بانک در حال حاضر مالک شبکه‌ای از ۲,۵۶۵ شعبه بانکی است. شعبه مرکزی این بانک در شهر داکا، بنگله دیش قرار دارد. یونس پروژه تحقیقاتی طراحی سیستم اعتباری خدمات بانکی برای ارائه به فقرا روستائی را راه اندازی کرد. در اکتوبر سال ۱۹۸۳، بانک گرامین توسط قانون ملی مجاز به انجام وظیفه به عنوان یک بانک مستقل شد. در سال ۱۹۹۸، برنامه مسکن کم هزینه این «بانک» جایزه جهانی هابیت را به دست آورد. در سال ۲۰۰۶، بانک و بنیانگذار آن، محمد یونس، به‌طور مشترک جایزه صلح نوبل را به دست آوردند. محمد یونس در کتاب «بانک تهی‌دستان: وام‌های خرد و مبارزه علیه فقر جهانی» به تشریح جزئیات شکل‌گیری این بانک می‌پردازد.